

ایران در هفته‌ای که گذشت!

(۳۲)

بهرام رحمانی

bamdadpress@swipnet.se

اولین شماره از «ایران در هفته‌ای که گذشت!» را در سال نو ۱۳۸۲، را در حالی می‌نگاریم که آمریکا و متحدانش جنگ خونین و ویرانگر غیرقابل تصویری را بر مردم عراق تحمیل کرده‌اند. صدها هزار نفر از مردم این کشور را مجبور کرده‌اند از ترس جان و فقط برای در امان ماندن از بمباران‌های هوایی و موشک‌ها سر به کوه و دشت و مرزها بگذارند و در معرض انواع و اقسام خطرهای از جمله گرسنگی و بیماری‌های مسری قرار گیرند. بی‌شک بیش‌ترین قربانیان این جنگ زنان، کودکان و افراد سال‌خورده هستند. بسیاری از مردم نیز که امکان ترک خانه و کاشانه خود را ندارند در زیر غرش توپ‌ها، هواپیماها، هلیکوپترها و موشک‌ها در ترس و نگرانی و گرسنگی به سر می‌برند. گفته می‌شود موشک‌هایی که بر سر مردم عراق فرو می‌ریزند بسیار مدرن، هدایت شونده و دقیق است و مستقیماً به هدف‌های تعیین شده اصابت می‌کند، اما در این میان معلوم نیست چگونه هفت موشک آمریکایی و انگلیسی، از مسیر خود برای اصابت به شهرهای عراق، تغییر جهت داده و به آبادان، سردشت و... اصابت کرد؟! این مسئله مردم معترض و آزادی‌خواه ایران را بسیار نگران کرده است. هفته گذشته این مسئله مهم‌ترین مسئله مردم ایران، به ویژه مردم خوزستان و کردستان بود. باید اصابت این موشک‌ها را یک هشدار تلقی کرد. این تحریکات احتمالاً می‌تواند در راستای تبلیغات آمریکا و تحرکی که در کاخ سفید و کنگره آمریکا، در همکاری با ساواکی‌های سابق و دم و دستگاه پهلوی باشد.

در چنین وضعیتی کارگران، زنان، جوانان، دانش‌جویان، مردم آزادی‌خواه و تحت ستم باید مبارزه خود را سریعاً سراسری کنند و هدف‌مند و سازمان‌دهی شده در همه عرصه‌ها دست به تعرض همه جانبه بر علیه جمهوری اسلامی جنایت‌کار بزنند تا با ساقط کردن این رژیم، حکومت دل‌خواه، آزاد و انسانی خود را به وجود آورند و از این طریق کلیه بهانه‌های آمریکا و طرفداران احیای سلطنت طلب را برای هجوم نظامی به ایران خنثی کنند.

ما کارگران، کمونیست‌ها، مردم تحت ستم و محروم و آزادی‌خواه ۲۴ سال است که بی‌وقفه علیه

جمهوری اسلامی و برای سرنگونی این رژیم و در راه آزادی و برابری و سوسیالیسم مبارزه می‌کنیم، در این راه نیز بسیاری از عزیزان خود را از دست داده‌ایم. بدین ترتیب جمهوری اسلامی را تا لبه پرتگاه گورستان تاریخ عقب رانده‌ایم و خود را برای تعیین تکلیف نهایی با این رژیم جانی و آغاز تاریخ نوین در ایران آماده می‌کنیم.

اما امروز این مبارزه از سوی عوامل آمریکا و سازمان سیا، مورد تعرض زشت‌ترین و رکیک‌ترین تبلیغات واقع شده است تا به خیال خود احتمالاً با خوش خدمتی به آمریکا و سازمان سیا، زمینه را برای حمله آمریکا به ایران و احیای سلطنت هموار سازند. این طیف بی‌شرمانه با کمک‌های مالی و تبلیغاتی وسیعی که سازمان سیا در اختیارش قرار داده است، پرچم سلطنت را بلند کرده است. این طیف تا آن حدی که علیه نیروهای پیشرو، چپ، کمونیست و آزادی‌خواه سرنگونی‌طلب جمهوری اسلامی تبلیغ و سم‌پاشی می‌کنند، هر کسی که از وجود ستم ملی و نابرابری در این کشور، بحثی به میان می‌آورد با خشونت کامل مورد حمله تبلیغاتی قرار می‌دهند، هرگز به همان شدت علیه جمهوری اسلامی تبلیغ نمی‌کنند. این‌ها با انقلاب ۵۷ مردم ایران و انقلابی آتی کارگران و مردم محروم و ستم‌دیده دشمنی می‌ورزند، این چنین خصومتی را با کلیت جمهوری اسلامی ندارند. هیچ بعید نیست که این طیف در مقطعی از تاریخ، با جناح‌هایی از جمهوری اسلامی از سر آشتی و دوستی برآید. چرا که سلطنت‌طلبان، مخالفت جدی با افکار مذهبی، ناسیونالیستی و فاشیستی جمهوری اسلامی ندارند. مشکل و مشغله سلطنت‌طلبان با جمهوری اسلامی، بر سر قدرت و ثروت است نه بر سر آزادی‌های سیاسی و اجتماعی و محرومیت‌های اقتصادی توده‌های مردم. در طول این سال‌هایی که کارگران و آزادی‌خواهان با وجود همه سختی‌ها و دشواری‌ها علیه جمهوری اسلامی مبارزه می‌کنند، با میلیاردها دلار پولی که از دست رنج کارگران و مزدبگیران ایران به جیب زده‌اند در بازارهای جهانی مشغول بورس بازی و خوش‌گذرانی هستند، اما اکنون به ویژه پس از عملیات تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در آمریکا که هیات حاکمه آمریکا، این عملیات وحشیانه را نعمت بزرگ الهی ارزیابی کرد و طرح‌ها و نقشه عمل‌های امپریالیستی از پیش تعیین شده خود را که از سال ۱۹۹۱ با حمله به عراق آغاز کرده بود، به شکل عریان‌تر میلیتاریستی و با لشکرکشی به این و یا آن کشور عملی کند، زبان پرخاشگر خود را علیه انقلاب و انقلابیون و انسان‌های برابری‌طلب، فحاشی‌های بی‌شرمانه علیه گرایش چپ جامعه و کمونیست‌ها گشوده‌اند و برای کارگران و مردم تحت ستم خط و نشان می‌کشند.

با آغاز تبلیغات آمریکا و انگلستان، برای حمله به عراق، طیف سلطنت‌طلب از طریق رسانه‌هایی که

در اختیار دارند، وقیحانه نقش سخن‌گویان «فارسی‌زبان» مشاوران دست‌چندم سیاست‌مداران آمریکایی و ژنرال‌ها را بازی می‌کنند و اکنون که این جنگ خونین آغاز شده است، از شادی در پست خود نمی‌گنجند و میلیون‌ها مخالف جنگ در جهان را با زشت‌ترین کلمات و واژه‌ها مورد ناسزا و دشنام قرار می‌دهند و تبلیغات گسترده‌ای را نیز راه انداخته‌اند که پس از عراق نوبت ایران می‌رسد تا با کشتار مردم ایران و نابودی منابع طبیعی این مردم و آلوده کردن محیط زیست، رضا پهلوی با دار و دسته ساواکی‌ها، افسرها، معامله‌گران و کسانی که به دنبال پست و مقام و جاه و جلال به هر بهایی می‌گردند، بر روی ویرانه‌های ایران، تخت‌های زرین بگذارند، تاج‌گذاری کنند و جشن‌های دو هزار و پانصد ساله را بر پا دارند. از این رو نباید اجازه داد این طیف، افکار عمومی مردم را با تفسیرها و تحلیل‌های دروغین عقب مانده‌ترین گرایش‌های بورژوازی مسموم سازند. باید همواره واقعیت‌های سیاسی و اجتماعی و نقشه‌های شوم این طیف و همکاری آن‌ها با سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا، انگلیس، اسرائیل و... را افشا کرد. عملکرد و سیاست‌های وحشیانه ۵۰ سال دوره سلطنت پهلوی را در ایران، در حافظه تاریخی مردم زنده کرد. سرکوب، کشتار، تخریب و ویرانی که از دهه ۲۰ رضاخان میرپنج و پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ پسرش محمدرضاشاه به بار آوردند و بیش از پنجاه سال جامعه ایران را به جولانگاه ارتجاعی و غیرانسانی خود تبدیل کردند، به یاد مردم آورد و جوانان را از عملکرد دستگاه مخوف پهلوی و ساواک آن آگاه ساخت. این طیف حاکمیت سرکوبگرانه خود را از طریق کودتاها و میلیتاریسم بر مردم ایران تحمیل کرد و اکنون نیز شیفته میلیتاریسم نوین آمریکا، که افسارگسیخته به این و یا آن کشور، حمله نظامی می‌کند تا سلطه خود را بر جهان بشری تحمیل کند، شده است.

پیام صریح و روش‌ما کارگران و مردم آزادی‌خواه به جمهوری اسلامی، آمریکا و عوامل سلطنت‌طلب این است که ما عزم کرده‌ایم با سرنگونی جمهوری اسلامی، سرنوشت خود و جامعه و آینده فرزندانمان را مستقیماً به دست خودمان رقم بزنیم و تاریخ نوین خود را بسازیم. با تجارب تلخ فراموش‌نشده‌ای که از رژیم پهلوی و جمهوری اسلامی داریم، بار دیگر اجازه نخواهیم داد هیچ شاه و شیخ و ناجی با تاریخ و سرنوشت انسانی ما بازی کند.

ما، عمیقاً مخالف خشونت، سرکوب، خفقان، سانسور، شکنجه، اعدام و مخالف حمله آمریکا به ایران و یا هر کشور دیگری هستیم. ما، مخالف آن جریان‌هایی هستیم که با بهانه‌های مختلف به عمر و بقای جمهوری اسلامی مستقیم و غیرمستقیم یاری می‌رسانند.

ما اکثریت ساکنان کره زمین که نیازهای اجتماعی را تولید می‌کنیم و چرخ ماشین زندگی بشری را

به حرکت در می‌آوریم، در این جنگ‌های «زنجیره‌ای» وحشی و غیرانسانی که آمریکا و متحدانش راه انداخته‌اند، هیچ نفعی نداریم و آن‌ها را شدید محکوم می‌کنیم و با هر امکانی و نیرویی که داریم علیه این جنگ‌های امپریالیستی به پا می‌خیزیم. ما خود را جزئی از صفوف میلیونی تظاهرات‌ها و اعتصاب‌های ضد جنگ، ضد سرمایه‌داری و هر گونه سرکوب، تبعیض و نابرابری در چهارگوشه کره زمین می‌دانیم. سیاست‌های میلیتاریستی که امروز آمریکا و متحدانش با کشتار مردم عراق پیش می‌برند قبل از هر چیز گندیدگی و تعفن سیستم سرمایه‌داری جهانی را نشان می‌دهد. هر انسانی که کم‌ترین عواطف انسانی در وجودش هست طبیعتاً و اصولاً به مخالفت با این جنگ برمی‌خیزد. کسانی که امروز مدافع و مبلغ با جیره و یا بی‌جیره این جنگ هستند، ماهیت ضدانسانی خودشان را در رابطه با آینده بشر به نمایش می‌گذارند.

ما مردم آزادی‌خواه ایران، بر این باور هستیم که حمله آمریکا و متحدانش به ایران، نه تنها هیچ کمکی را برای پایان دادن به اختناق، سرکوب، ترور، اعدام و قوانین ضدانسانی اسلامی نمی‌کند، بلکه با کند کردن روند «دمکراسی» و «آزادی» در این جامعه، فضا را به سوی جنگ داخلی و نسل‌کشی سوق می‌دهد. اگر رویاهای شوم سلطنت‌طلبان با حمایت آمریکا در ایران، واقعیت پیدا کند مبارزه کارگران، کمونیست‌ها و آزادی‌خواهان سرکوب خواهد شد و سال‌ها و دهه‌ها خفقان خونینی بر جامعه ما حاکم خواهد گردید.

ما بر این باوریم که اگر پای آمریکا و متحدان سلطنت‌طلب‌اش به ایران برسد بلافاصله بخشی از دم و دستگاه سرکوب جمهوری اسلامی را نیز به خدمت خواهند گرفت و کارگران پیشرو، فعالین جنبش‌های اجتماعی و کمونیست‌ها را بر سر هر کوی و برزن و پادگانی و زندانی به دار خواهند آویخت. یعنی تاریخ سال‌های ۶۰ جمهوری اسلامی را با ابعاد وسیع‌تری تکرار خواهند کرد. پس از انقلاب ۵۷، جمهوری اسلامی، برای نجات بورژوازی ایران، هزاران نفر را قتل عام کرد، زنان را به اسارت بردگی کشید و فقر و فلاکت فزاینده‌ای را برای کارگران و مردم محروم، یعنی کسانی که دست به انقلاب زده بودند، تحمیل کرد؛ این بار اگر طیف سلطنت‌طلب بتواند حتا به قدرت نزدیک شود، انتقام وحشیانه‌ای از انقلابیون خواهد گرفت. تبلیغات این وحشی‌گری را مدت‌هاست که از رسانه‌های خود در اسکاندیناوی، اروپا و آمریکا آغاز کرده است.

البته ناگفته نماند با هر تغییری که در هیات حاکمه آمریکا و سیاست‌های آن به وجود آید، تشکیلات سلطنت‌طلبان نیز زیر و رو می‌شود و در معرض فروپاشی قرار می‌گیرد. جریان‌هایی که در مقابل مبارزه توده‌های مردم قرار دارد و تنها امید خود را به سیاست‌های سازمان‌های جاسوسی آمریکا، انگلستان،

اسرائیل و... بسته است تا با تحولاتی در بالا مانند دخالت امپریالیست‌ها، کودتاها به حاکمیت برسد و هر گونه دخالت توده‌های مردم در امور اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را با سرکوب، سانسور و شکنجه و اعدام جواب بدهد، طبیعی است که از فردای خود و آینده‌اش وحشت داشته باشد. هیات حاکمه آمریکا، از این طیف، به عنوان ابزار و اهرم فشار به جمهوری اسلامی استفاده می‌کند. از این رو طرف‌داران احیای سلطنت در ایران بسیار ضعیف‌تر و کوچک‌تر از آن هستند که خطری برای انقلاب آتی مردم ایران باشند. این‌ها فقط می‌توانند برای مردم معترض و آزادی‌خواه توهم و مزاحمت ایجاد کنند.

مسلمانان، کارگران، کمونیست‌ها، آزادی‌خواهان، زنان، جوانان و مردم ستم‌دیده ایران، حمله آمریکا و متحدانش را به عراق محکوم می‌کنند؛ با مردم این کشور احساس همبستگی و هم‌دردی می‌نمایند و با آغوش باز به استقبال آوارگان عراقی می‌شتابند.

توده‌های مردم و به ویژه کارگران، در آغاز سال ۱۳۸۲، مبارزه خود را برای سرنگونی جمهوری اسلامی و برپایی جامعه آزاد و برابر، با جدیت بیش‌تری نسبت به سال قبل گسترش خواهند داد، با امید این که در بهار سال جاری، روند سرنگونی این رژیم تاریک اندیش و تروریست، سرعت بیش‌تری پیدا کند و نسیم بهار آزادی و برابری در این کشور بوزد. با عزم و اراده مبارزه اجتماعی و با امید تحقق بهار آزادی واقعی، به استقبال بهار می‌رویم.

۲۳ مارس ۲۰۰۳